

مطالعه ترجیحات شغلی دانشجویان: آزادی عمل، ثبات شغلی، شایسته‌سالاری*

حمزه نوذری^۱، محمدرضا بابایی گلرودباری^۲
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳)

چکیده

این پژوهش با هدف مطالعه فهم و تصور دانشجویان از اشتغال در بخش‌های دولتی، خصوصی و خوداشتغالی انجام شده است. این مطالعه با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۲ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی صورت گرفته است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل تماتیک در سه سطح تم‌های اولیه، ثانویه و اصلی مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ترجیحات شغلی دانشجویان بر پایه مؤلفه‌هایی چون استقلال اقتصادی، امنیت شغلی، فرصت پیشرفت و فضای رقابتی شکل می‌گیرد. برخی دانشجویان، خوداشتغالی را به‌منزله گزینه مطلوب شغلی ترجیح می‌دهند، زیرا آن را مسیری برای کسب استقلال، تحقق خود و آزادی عمل می‌دانند. در مقابل، گروهی اشتغال در بخش دولتی را به دلیل ثبات، مزایای رفاهی و ساختار منظم برمی‌گزینند. همچنین اشتغال در بخش خصوصی نیز برای برخی به دلیل شایسته‌سالاری و فرصت‌های رشد جذاب‌تر ارزیابی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ترجیحات شغلی، دانشجویان، خود اشتغالی، اشتغال دولت، اشتغال خصوصی.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2025.2066178.1910>

• علمی - پژوهشی

۱ دانشجویار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). hnozari@khu.ac.ir

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Mohamadreza.b183@gmail.com

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نوزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴، ص ۱۲۸-۱۰۳

مقدمه و بیان مسئله

انتخاب شغل یکی از مهم‌ترین و در عین حال، پیچیده‌ترین تصمیمات زندگی افراد به‌شمار می‌رود. مفهوم «ترجیح شغلی» به معنای گرایش یا تمایل فرد به یک شغل خاص در میان گزینه‌های مختلف شغلی اطلاق می‌شود. این ترجیحات بازتاب دهنده خواسته‌ها، اولویت‌ها و ارزش‌های شخصی در رابطه با مسیر شغلی مطلوب هستند. در مقابل، اصطلاح «شغل» به مسیر فعالیت حرفه‌ای فرد در یک حوزه مشخص اشاره دارد که معمولاً با تجربه و آموزش تخصصی همراه است. به‌بیان دیگر، انتخاب شغل شامل تصمیم‌گیری درباره این است که فرد در کدام مسیر شغلی وارد می‌شود، چه مهارت‌هایی را توسعه می‌دهد و از چه فرصت‌هایی برای درآمدزایی و رشد حرفه‌ای بهره‌مند می‌گردد (سارکر، ۲۰۲۲: ۲۱۸۶).

اقتصاد ایران با ویژگی‌هایی همچون دولت بزرگ و بازار کوچک شناخته می‌شود (نوذری، ۱۴۰۰: ۱۷). در چنین شرایطی، بازار کار نه تنها توانایی ایجاد مشاغل پویا و متنوع را ندارد، بلکه فرصت‌های شغلی موجود نیز محدود و عمدتاً در حوزه‌های غیرمهارتی متمرکز شده‌اند. با این حال، اشتغال در دو بخشی خصوصی و دولتی همچنان به‌عنوان گزینه‌هایی پیش روی دانشجویان قرار دارد. هرچند اشتغال در بخش دولتی نسبت به گذشته محدودتر شده است. به هر حال، شناخت ترجیحات شغلی دانشجویان در مواجهه با گزینه‌های موجود دارای اهمیت است.

بخش دولتی با ویژگی‌هایی همچون امنیت شغلی، حقوق ثابت و مزایای جانبی نظیر بیمه و بازنشستگی همراه است و می‌تواند به‌عنوان یکی از گزینه‌های مورد ترجیح در میان برخی دانشجویان مطرح باشد. بخش خصوصی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

الف) کار برای دیگران، که شامل کار در شرکت‌ها یا سازمان‌های خصوصی است. نیروی کار از کارفرما یا سازمان حقوق و مزایایی دریافت می‌کند و اغلب تصور می‌شود با چالش‌هایی مانند نبود امنیت شغلی، درآمد نامطمئن و فشار کاری زیاد همراه است.

ب) کارآفرینی و خوداشتغالی: در این بخش، افراد حقوق یا دستمزد مشخصی دریافت نمی‌کنند، بلکه درآمد خود را از طریق فعالیت حرفه‌ای یا کسب‌وکار شخصی خود و با پذیرش ریسک‌های مرتبط به‌دست می‌آورند (رمرس، ۲۰۱۸). ممکن است این گزینه از ظرفیت بالایی برای رشد فردی برخوردار باشد، افراد با تکیه بر خلاقیت‌ها و مهارت‌ها، می‌توانند کسب‌وکار مخصوص خود را راه‌اندازی کرده و برای خود و دیگران شغل ایجاد کنند.

به نظر می‌رسد تمایلات و ترجیحات شغلی دانشجویان تحت تأثیر شرایط اقتصادی تغییر می‌کند به گونه‌ای که در شرایط رکود اقتصادی، گرایش به مشاغل با درآمد ثابت و ریسک کمتر

افزایش می‌یابد اما در شرایط رونق اقتصادی، اولویت به جنبه‌های معنایی و رضایت از کار بیشتر می‌شود (کوتوفان و همکاران، ۲۰۲۱).

مطالعه ترجیحات شغلی دانشجویان از آن جهت حائز اهمیت است که دانشجویان، هرچند هنوز به‌طور مستقیم با مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌های پیچیده اقتصادی که لازمه زندگی در جوامع معاصر است مواجه نشده‌اند، اما ترجیحات شغلی خاص خود را دارند. بنابراین می‌توان استدلال کرد که در برخی موارد، تحلیل ترجیحات افراد بر تحلیل انتخاب‌های آنان تقدم دارد (نوذری، ۱۳۹۹: ۳۲۸). این گروه بخش قابل توجهی از نیروی کار آینده کشور را تشکیل می‌دهند بنابراین، فهم و تحلیل ترجیحات آنها می‌تواند تصویر روشنی از الگوی ترجیح شغلی نیروی کار تحصیل کرده و تنوع ترجیحات آنان ارائه کند.

این پژوهش با هدف تحلیل تمایلات و ترجیحات شغلی دانشجویان نسبت به خود اشتغالی، شغل دولتی یا خصوصی به دنبال پاسخ به این سؤالات است: درک و فهم دانشجویان از کار در بخش دولتی چگونه است؟ دانشجویان چه تصویری از کار در بخش خصوصی دارند؟ دیدگاه دانشجویان نسبت به خوداشتغالی چیست و چه موانعی بر سر راه تحقق این امر وجود دارد؟ چه تفاوت‌هایی در نگاه دانشجویان نسبت به اشتغال در بخش دولتی و بخش خصوصی وجود دارد؟ افراد بر اساس چه معنایی از کار و چه تصویری از اشتغال، یکی از این سه بخش را برای اشتغال ترجیح می‌دهند؟

مباحث نظری

مباحث نظری در تحقیق کیفی شامل مفاهیم و چارچوب‌هایی هستند که مسیر کلی پژوهش را روشن می‌کنند. این مفاهیم کمک می‌کنند تا پژوهشگر بدانند چه چیزهایی را باید مورد توجه قرار دهد، چه سؤالاتی باید مطرح شود و چه زمینه‌ای برای تحلیل داده‌ها فراهم شود. این مفاهیم همچنین حساسیت‌هایی برای طرح پرسش از دانشجویان ایجاد می‌کنند و نشان می‌دهند که افراد معمولاً ترجیح می‌دهند محیط کارشان دارای چه ویژگی‌هایی باشد و می‌تواند بخشی از ترجیحات شغلی دانشجویان را توضیح دهد.

خود فعلیت بخشی

به طور کلی افراد معمولاً محیط‌هایی را ترجیح می‌دهند که بستر مناسبی برای رشد فردی، خلاقیت و تحقق خود فراهم آورد (رایان و دسی، ۲۰۰۰). با این حال، در چارچوب دیدگاه مارکس، ترجیح افراد برای خلاقیت و تحقق خود با ساختار شغلی در نظام سرمایه‌داری در تضاد قرار دارد. زیرا به

باور او، کارگران در روابط اجتماعی سرمایه‌داری از محتوای واقعی زندگی محروم‌اند و شأن و ارزش خود را از دست داده‌اند، به طوری که کار برای آنان صرفاً وسیله‌ای برای بقا به شمار می‌آید. (نوذری، ۱۳۹۷: ۱۴).

مارکس بر این باور است که انسان‌ها ذاتاً موجوداتی خلاق و مولد هستند و کار، یک ویژگی منحصر به فرد در وجود انسان است که برای رشد و تحقق نفس ضروری به شمار می‌آید، البته به شرط آنکه این کار آزادانه، مولد و عاری از هرگونه اجبار فیزیکی یا دیگر انواع اجبار باشد (نوذری، ۱۳۹۷: ۲۳). از دیدگاه او، زندگی رضایت‌بخش انسانی زمانی ممکن است که انسان بتواند خود را شکوفا کند و قابلیت‌های ذاتی خود را در فعالیتی به کار گیرد که با طبیعت انسانی‌اش سازگار باشد. مارکس این موضوع را بخشی از وظیفه و رسالت انسان می‌داند. به نظر او، دلیل اصلی اینکه انسان‌ها در جامعه بورژوازی نمی‌توانند احساس معنا یا ارزشمندی شخصی را حفظ کنند، یا تنها از طریق توهمات قادر به حفظ آن هستند، این است که در موقعیتی قرار دارند که نیاز آن‌ها خود فعلیت‌بخشی محقق نمی‌شود و امکان پرورش و به‌کارگیری توانایی‌های ذاتی انسانی‌شان را ندارند. بنابراین، بیگانگی در جامعه سرمایه‌داری از نظر مارکس، وضعیتی است که در آن انسان ناتوان از فعلیت بخشیدن به خویش و پرورش و استفاده از توانمندی‌های ذاتی انسانی‌اش است. (وود، ۱۳۸۷: ۹۱-۹۲).

بر این اساس، یکی از معانی اصلی کار بیگانه‌شده آن است که فرد به محض رفع اجبار فیزیکی یا هر نوع الزام دیگر، از کار همچون بیماری فرار می‌کند. در این وضعیت، کارگر تنها زمانی خود را بازمی‌یابد که بیرون از محیط کار است و در حین کار، از خود بیگانه می‌شود. او در زمان استراحت احساس آرامش دارد و در زمان کار، فاقد آسایش است، در نتیجه، کار برای او انتخابی آزادانه نیست بلکه امری تحمیلی است (مارکس، ۱۳۸۷: ۱۳۰). پس تصور می‌شود که همه افراد، از جمله دانشجویان، به دنبال کاری هستند که بتواند استعداد و توانایی‌های آن‌ها را شکوفا کند. مارکس معتقد است که کار کردن برای دیگران، به ویژه در بخش خصوصی و به ویژه در کار مولد در نظام سرمایه‌داری، نمی‌تواند استعداد و توانایی کارگر را به درستی شکوفا کند. او نیروی کار را به عنوان زائده‌ای بر ماشین در نظر می‌گیرد که تحت سلطه ساختارهای سرمایه‌داری، صرفاً به منظور تولید ارزش افزوده و بهره‌کشی اقتصادی به کار گرفته می‌شود و امکان بروز توانمندی‌های انسانی در آن محدود است. بر اساس رویکرد مارکس، می‌توان چنین برداشت کرد که ترجیحات شغلی دانشجویان، عمدتاً معطوف به محیط‌هایی است که امکان بروز آزادی عمل، استقلال و خلاقیت را فراهم آورند.

کنش آزادانه

اما آیا ترجیحات در محیط کاری فقط بر این اساس است که افراد آزادانه بتوانند تولید کنند؟ یعنی آزادی برای تولید. هانا آرنه^۱ معتقد است آزادی برای تولید یک بخش از ترجیحات انسان‌ها است. وی تلاش کرده بحث آزادی انتخاب انسان را در سه ساحت مطرح کند. وی در کتاب «وضع بشر (۱۹۵۸)» سه نوع فعالیت اساسی انسان را از یکدیگر تفکیک می‌کند. از نظر او، زحمت^۲ به فرایندهای زیستی بدن انسان مرتبط است و در خدمت تأمین نیازهای حیاتی قرار دارد، کار^۳ بیانگر جنبه غیر طبیعی و ساخته‌شده حیات انسانی است که بیرون از چرخه طبیعی زیست قرار می‌گیرد و کنش^۴ تنها فعالیتی است که به صورت مستقیم در روابط میان انسان‌ها تحقق می‌یابد (آرنه، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۴). بر همین این اساس، ازدیدگاه او می‌توان چنین استنباط کرد که ترجیحات شغلی دانشجویان، نه صرفاً معطوف به رفع نیازهای زیستی یا تأمین معیشت، بلکه ناظر به یافتن محیط‌هایی است که امکان کنش آزادانه را فراهم آورد. دانشجویان در جست‌وجوی نقش‌ها و موقعیت‌هایی هستند که فراتر از چرخه زحمت و کار، به آن‌ها امکان مشارکت معنادار در روابط انسانی و اجتماعی را بدهد همانگونه که آرنه از مفهوم کنش در نظریه خود یاد می‌کند. بنابراین کنش آزادانه نه فقط برای تولید که برای مشارکت در حیات جمعی و زیست بهتر از مهم‌ترین ترجیحات و انگیزه‌های انسانی است.

ثبات و کنترل فردی بر مسیر شغلی

امنیت و ثبات شغلی در جامعه جدید روزبه‌روز کمتر می‌شود به گونه‌ای که بی‌ثبات کاری تبدیل به چالشی بزرگ برای نیروی کار شده است. برخی افراد ترجیح می‌دهند وارد شغلی شوند که دارای ثبات و امنیت باشد. ریچارد سنت^۵، در کتاب «زوال شخصیت: پیامدهای کار در سرمایه‌داری جدید» (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که در سرمایه‌داری جدید، ساختارهای کاری دیگر تضمینی برای ثبات، پیش‌بینی‌پذیری یا مسیر مشخص ارتقای شغلی ارائه نمی‌دهند. به باور او، سرمایه‌داری نوین مفاهیمی همچون وفاداری، تعهد و ثبات را بی‌ارزش ساخته است. در این نظام، شرایط کاری پیوسته در حال تغییر است و از کارگران انتظار می‌رود کوتاه‌مدت بیندیشند، به قوانین رسمی تکیه نکنند، سریع عمل کنند و ریسک‌پذیر باشند (نوذری، ۱۳۹۷: ۱۵۷). علاوه بر این، سنت معتقد است که

1 Hannah Arendt

2 Labor

3 Work

4 Action

5 Richard Sennett

شیوه کنترل بر کارگران در سرمایه‌داری دچار تحول شده و سرمایه‌داری جدید با تأکید بر مفهوم «انعطاف‌پذیری در کار» به دنبال اعمال شکلی نوین از سلطه بر نیروی کار است. این رویکرد، بیش از هر چیز به سود شرکت‌هاست، زیرا در اقتصاد نوین، شرکت‌ها برای دستیابی به سود بیشتر به نیروی کاری نیاز دارند که نه تنها کنترلی بر فرآیند کار نداشته باشد، بلکه همواره آمادگی پذیرش تغییر در شرایط کاری را داشته باشد (همان: ۱۵۷-۱۵۸). در این شرایط بسیاری از دانشجویان ترجیح می‌دهند به سمت مشاغلی گام بردارند که کنترل بیشتری بر زمان، نوع کار و مسیر شغلی‌شان داشته باشند.

در مجموع، می‌توان گفت نقطه کانونی نظریه‌های بررسی‌شده، تأکید بر نقش بنیادین «آزادی عمل، خلاقیت و شکوفایی فردی» در تجربه کاری انسان است. اگرچه این نظریه‌ها از منظرهای متفاوتی به موضوع کار می‌پردازند، اما وجه اشتراک آن‌ها در برجسته‌سازی این نکته است که کار نباید صرفاً امری ابزاری یا معیشتی تلقی شود، بلکه باید بستری برای فعلیت‌یافتن انسان، بروز خلاقیت و ثبات و پایداری باشد.

از منظر مارکس، کار در نظام سرمایه‌داری به امری بیگانه تبدیل می‌شود، کارگر محصول کار خود را از آن خودش نمی‌داند و نیروی کار او به مثابه کالایی در اختیار سرمایه‌دار قرار می‌گیرد. اما مارکس بر این باور است که در شرایطی غیر از بیگانگی، کار می‌تواند به عرصه‌ای برای خود فعلیت بخشی، خلق آگاهانه و شکوفایی فردی بدل شود، فرآیندی که در آن انسان نه صرفاً برای بقا، بلکه برای تحقق جوهر انسانی خود فعالیت می‌کند.

آرنت با تمایز میان زحمت، کار و کنش، بر جنبه‌های متعدد فعالیت بشری تأکید می‌کند. در نگاه او تنها «کنش» است که به‌طور مستقیم در رابطه با دیگر انسان‌ها، به‌شکل آزادانه و ارادی، تحقق می‌یابد. آرنت در تحلیل خود، کنش را بُعدی اصیل و آزادی‌بخش از زندگی انسانی می‌داند، کنشی که در آن امکان، نوآوری و بروز منحصربه‌فرد بودن انسان فراهم می‌شود.

سنت، برخلاف دو رویکرد فوق که بیشتر بر مفهوم آزادی تمرکز دارند، بر اهمیت ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در مسیر شغلی انسان تأکید می‌ورزد. به باور او، یکی از پیامدهای سرمایه‌داری متأخر، بی‌ثبات‌سازی ساختارهای شغلی و حذف امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای آینده شغلی است، وضعیتی که فرصت شکوفایی فرد را از بین می‌برد. همچنین، سنت بر اهمیت ایجاد ساختارهایی تأکید دارد که در آن‌ها فرد بتواند نوعی پیوستگی، امنیت و کنترل بر مسیر حرفه‌ای خود داشته باشد، تا از دل آن امکان بروز توانمندی‌ها و رشد شخصی فراهم شود.

بنابراین می‌توان نقشه مفهومی و مسیر پیش روی پژوهش را به‌صورت روشن و منسجم ترسیم کرد: کار زمانی می‌تواند به بستری برای تحقق و رشد انسانی تبدیل گردد که هم‌زمان شرایط خود فعلیت بخشی (مارکس)، کنش آزادانه (آرنت) و ثبات و کنترل فردی بر مسیر شغلی (سنت) در آن فراهم باشد. با این حال، هر گروه ممکن است بر یکی از این ابعاد تأکید بیشتری داشته باشد.

پیشینه پژوهش

در این بخش با تمرکز بر کلید واژه اصلی تحقیق «ترجیحات شغلی دانشجویان» جست‌وجویی نظام‌مند در پایگاه‌های معتبر علمی داخلی و خارجی و موتورهای جست‌وجوی تخصصی صورت گرفت و مقالاتی که بیشترین نزدیکی و مفهومی با پژوهش حاضر داشتند، انتخاب و معرفی شده‌اند.

مندگاری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی پیمایشی با نمونه‌ای ۴۰۰ نفری از جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال شهر اصفهان، به بررسی ترجیحات شغلی پرداختند. نتایج نشان داد که برای دختران، به‌ترتیب، ماهیت کار، جنبه اقتصادی، تعادل کار و خانواده، و ابعاد اجتماعی بیشترین اهمیت را دارد، در حالی که در میان پسران، اولویت‌ها به‌ترتیب شامل جنبه اقتصادی، ماهیت کار، تعادل کار و خانواده، و سپس بعد اجتماعی است. پژوهشگران تأکید دارند که ارائه مشاوره‌های تحصیلی-شغلی متناسب با نیاز بازار و تضمین امنیت شغلی از سوی کارفرمایان می‌تواند به انتخاب‌های شغلی مطلوب‌تر و افزایش رضایت کارفرمایان بینجامد.

مرادنژاد (۱۴۰۰) در پژوهشی کیفی با رویکرد پدیدارشناسی به واکاوی ترجیحات شغلی و آموزش مهارت‌های شغلی در دانشجویان کشاورزی دانشگاه ایلام پرداخت. جامعه آماری شامل ۳۰ نفر از دانشجویان و اعضای هیئت علمی بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نتایج نشان داد دانشجویان برای انتخاب شغل به آموزش مهارت‌های کسب‌وکار، روانشناختی کارآفرینانه و مهارت‌های تخصصی نیاز دارند. همچنین، پیشنهاد شد آموزش‌های مرتبط با کسب‌وکار و فرصت‌های شغلی در برنامه درسی گنجانده شود.

صابری و شریف‌زاده (۱۴۰۰) در پژوهشی توصیفی-همبستگی رابطه بین برند دانشگاه و جهت‌گیری شغلی دانشجویان را بررسی کردند. نمونه پژوهش شامل ۱۸۰ دانشجوی نیم‌سال آخر دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان بود که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد بین جهت‌گیری شغلی سازنده و درک برند دانشگاه رابطه معناداری وجود دارد، که نشان‌دهنده تاثیر اعتبار دانشگاه بر جهت‌گیری شغلی است.

افروز نیا و رحمتی (۱۳۹۹) در پژوهشی کاربردی و پیمایشی به شناسایی عوامل موثر بر انتخاب شغل دانشجویان مدیریت پرداختند. جامعه آماری شامل دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و صنعتی شریف بود. یافته‌ها نشان داد عوامل موفقیت، پیشرفت، محیط کاری مطلوب، علاقه به شغل و درآمد، بیشترین تاثیر را دارند، در حالی که متغیرهای جنسیت، تاهل و تجربه کاری تاثیر کمتری داشتند.

میرزائی و همکاران (۱۳۹۶) با روش پیمایش ترجیحات شغلی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد جامعه مورد مطالعه در مورد موضوع ترجیحات شغلی در سه تیپ کلی (ابعاد درونی، بیرونی و ترکیبی) قرار داشت. متغیرهای خانواده، باورهای دینی و رسانه‌ها با ابعاد ترجیحات بیرونی و درونی رابطه معنادار داشتند، اما آموزش تنها با بعد درونی و دوستان با بعد بیرونی ارتباط داشت.

رافی^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با روش آزمایش انتخاب گسسته بر ۲۱۳ دانشجوی دانشگاه حرفه‌ای‌های بنگلادش (BUP) به بررسی ترجیحات شغلی پرداختند. چهار ویژگی اصلی شامل دستمزد ماهانه، امنیت شغلی، ساعات کاری و استفاده از دانش در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد دانشجویان تمایل بیشتری به بخش دولتی داشتند و امنیت شغلی مهم‌ترین عامل بود. همچنین، افزایش ساعات کاری جذابیت شغل را کاهش می‌داد و تفاوت‌های جنسیتی در حساسیت به این عوامل مشاهده شد.

موتانگا^۲ و همکاران (۲۰۲۳) با هدف شناخت عوامل موثر بر مسیر شغلی، به بررسی انتخاب مسیر شغلی دانشجویان رشته فناوری اطلاعات دانشگاه مانگوستو آفریقای جنوبی پرداختند. نتایج نشان داد علاوه بر ویژگی‌های فردی، عوامل بیرونی مانند روندهای صنعتی و تقاضای بازار نقش مهمی در تصمیم‌گیری دارند. همچنین پیشنهاد شد مؤسسات آموزشی و مشاوران شغلی حمایت‌های مناسب جهت انتخاب‌های آگاهانه‌تر ارائه دهند.

ارباب^۳ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی مقطعی در دانشکده داروسازی دانشگاه خارطوم به عوامل موثر بر انتخاب مسیر شغلی پرداختند. داده‌ها از ۲۲۰ دانشجو به صورت تصادفی جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد آموزش در محیط کار و محتوای درسی مهم‌ترین عوامل مرتبط با دانشکده هستند و تعامل با داروسازان شاغل و حقوق به عنوان عوامل شخصی و شغلی مطرح شدند.

1 Arafat Hossain Rafi
2 Murimo Bethel Mutanga
3 Ahmed H. Arbab

لیو^۱ و همکاران (۲۰۱۹) با روش آزمایش انتخاب گسسته ترجیحات شغلی ۴۴۵ دانشجوی پرستاری شرق چین را بررسی کردند. نتایج نشان داد دانشجویان به درآمد بالاتر، شدت کاری پایین‌تر، محیط کاری مناسب، فرصت‌های ارتقا و پست‌های رسمی دولتی تمایل بیشتری داشتند. محل کار کم‌اهمیت‌ترین ویژگی بود. همچنین درآمد خانوادگی و محل سکونت بر تمایل به اشتغال در مناطق شهری تاثیر داشت. در نهایت این مطالعه نشان داد که ترکیبی از عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی بر انتخاب شغلی دانشجویان تأثیرگذار است.

کازی^۲ و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی ۱۲۰ دانشجوی مدیریت بازرگانی در کراچی عوامل موثر بر انتخاب مسیر شغلی را تحلیل کردند. نتایج نشان داد که علاقه به رشته تحصیلی مهم‌ترین عامل و در مقابل، عوامل مالی، سهولت رشته و فرصت‌های شغلی آینده تأثیر کمتری بر تصمیم‌گیری دانشجویان داشتند. همچنین توصیه شد جلسات مشاوره و مداخلات آموزشی برای افزایش آگاهی دانشجویان برگزار شود.

مرور مطالعات پیشین در زمینه ترجیحات شغلی دانشجویان نشان می‌دهد که تمرکز پژوهش‌ها بر عواملی چون امنیت شغلی، احساس موفقیت و تناسب شغل با علایق فردی است. برخی پژوهش‌ها به تفاوت‌های جنسیتی یا اشتغال‌پذیری در مناطق مختلف اشاره کرده‌اند و در برخی مطالعات نیز تأثیر برند دانشگاه بر جهت‌گیری شغلی بررسی شده است. در مجموع مطالعات داخلی و خارجی متعددی به بررسی ترجیحات شغلی دانشجویان پرداختند. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های پیشین تنها به ترجیحات شغلی در یکی از بخش‌های دولتی و خصوصی متمرکز بوده‌اند. دیدگاه مقایسه‌ای بین ترجیحات افراد و سنخ‌بندی خاصی از ترجیحات ارائه نکرده‌اند و بیشتر بر شاخص‌های مطلوب یک کار و ترجیح اقتصادی یا اجتماعی بودن شغل تمرکز داشته‌اند. در این میان، پژوهش حاضر در چند وجه با مطالعات پیشین تمایز دارد: برخلاف بیشتر تحقیقات علاوه بر مقایسه تمایلات به اشتغال در بخش‌های دولتی و خصوصی، تمایل به خوداشتغالی نیز بررسی می‌شود. به‌جای تمرکز صرف بر شاخص‌های مطلوبیت شغلی، این مطالعه به درک دانشجویان از ماهیت و ویژگی‌های هر یک از این سه بخش (دولتی، خصوصی و خوداشتغالی) می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این تصورات، حتی اگر با واقعیت‌های عینی منطبق نباشند، در شکل‌گیری ترجیحات شغلی آن‌ها نقش ایفا می‌کنند.

1 Tongtog Liu

2 Afaq Kazi

روش پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شده است. داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. در پژوهش حاضر از الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) استفاده شده است. الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک برای تحلیل تماتیک شامل مراحل زیر است:

مرحله اول، آشنایی با داده‌ها است. در این مرحله، در صورت نیاز رونویسی داده‌ها انجام می‌شود و پژوهشگر با خواندن و بازخوانی مکرر داده‌ها و یادداشت‌برداری از ایده‌های اولیه، با داده‌ها انس می‌گیرد. در مرحله دوم، کدهای اولیه تولید می‌شوند، بدین معنا که ویژگی‌های جالب و معنادار داده‌ها به‌صورت نظام‌مند در سراسر مجموعه داده کدگذاری می‌شوند. مرحله سوم، جست‌وجوی تم‌ها است. در این مرحله، کدها در قالب تم‌های بالقوه سازماندهی شده و داده‌های مرتبط با هر تم گردآوری می‌شوند. مرحله چهارم به بازبینی تم‌ها اختصاص دارد، به این صورت که بررسی می‌شود آیا تم‌ها در ارتباط با بخش‌های کدگذاری شده و کل مجموعه داده کارآمد هستند یا خیر و در نهایت نقشه‌ای از تحلیل تماتیک ترسیم می‌شود. در مرحله پنجم، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها صورت می‌گیرد، در این مرحله تحلیل مداوم برای اصلاح جزئیات هر تم و شکل‌دهی به داستان کلی پژوهش ادامه می‌یابد و برای هر تم تعاریف و نام‌های روشن و دقیق ارائه می‌شود. سرانجام، مرحله ششم فرصتی نهایی برای تحلیل فراهم می‌کند، در این مرحله نمونه‌های معنادار از داده‌ها انتخاب می‌شوند، تحلیل نهایی این نمونه‌ها انجام می‌شود، تحلیل به پرسش پژوهش و ادبیات موضوع پیوند می‌خورد و در نهایت گزارش علمی تحلیل تولید می‌شود (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۹۳-۹۴).

جامعه هدف این پژوهش دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی است. انتخاب نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد و تا حد اشباع داده‌ها (۲۲ نفر) ادامه یافت. در این شیوه نمونه‌گیری انتخاب هر نمونه بستگی به داده‌های حاصل از نمونه قبلی دارد (حاج باقری، ۱۴۰۰: ۳۴). در انتخاب نمونه تنوع جنسیتی و رشته تحصیلی لحاظ شده است. مشخصات مشارکت‌کنندگان در جدول شماره ۱ آمده است.

به‌منظور ارتقای اعتبار پژوهش، از تکنیک‌های خودبازبینی پژوهشگر، کنترل پژوهشگر، عینیت‌پذیری و تأییدپذیری استفاده شد. علاوه بر این، اصول اخلاق پژوهش شامل ارائه شفاف

اطلاعات به مشارکت‌کنندگان، کسب رضایت آگاهانه، حضور داوطلبانه در مصاحبه‌ها، حفظ محرمانگی و حقوق افراد، رعایت مسئولیت‌پذیری علمی، آموزشی و حرفه‌ای، و تضمین گمنام‌ماندن مشارکت‌کنندگان مورد توجه قرار گرفت.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

نام ^۱	جنسیت	سن	مقطع تحصیلی	رشته
ا.گ	مرد	۲۲	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی
م.م	مرد	۳۳	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی
ش.ت	مرد	۳۶	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی
م.ک	زن	۲۳	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی
ا.ب	زن	۳۰	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی
م.ه	زن	۲۳	کارشناسی	جامعه‌شناسی
م.ج	مرد	۲۱	کارشناسی	مددکاری اجتماعی
م.آ	مرد	۲۲	کارشناسی	مددکاری اجتماعی
ف.پ	زن	۲۲	کارشناسی	مددکاری اجتماعی
ز.ا	زن	۲۵	کارشناسی	مددکاری اجتماعی
م.ن	مرد	۲۳	کارشناسی ارشد	مهندسی عمران (گرایش زلزله)
آ.ح	مرد	۲۳	کارشناسی ارشد	مهندسی عمران (گرایش زلزله)
س.ر	زن	۲۵	کارشناسی ارشد	مهندسی عمران (گرایش زلزله)
م.ع	مرد	۲۰	کارشناسی	مهندسی کامپیوتر
ز.م	زن	۲۱	کارشناسی	مهندسی کامپیوتر
ر.ر	زن	۱۹	کارشناسی	مهندسی کامپیوتر
ک.ع	مرد	۳۳	کارشناسی	زیست‌شناسی جانوری
ب.ب	مرد	۲۲	کارشناسی	زیست‌فناوری
م.ی	زن	۲۲	کارشناسی	زیست‌سلولی و مولکولی
م.ط	مرد	۲۳	کارشناسی	فیزیک
ر.ک	زن	۲۱	کارشناسی	فیزیک
ب.ح	مرد	۲۴	کارشناسی ارشد	نجوم (گرایش اختر فیزیک)

۱ با توجه به موضوع رازداری در پژوهش‌های علوم اجتماعی، نام مصاحبه‌شوندگان، به صورت حروف اختصاری آورده شده است. تمامی مشخصات مصاحبه‌شوندگان و مصاحبه‌های انجام شده در قالب صدا و یا متن به صورت کامل نزد محققین وجود دارد.

یافته‌های پژوهش

با تحلیل داده‌های مصاحبه، مفاهیم اولیه استخراج و پس از دسته‌بندی و بازنگری مستمر، به تم‌های فرعی و اصلی تبدیل شدند. این فرایند به‌گونه‌ای طراحی شده که بازتاب‌دهنده‌ی نگرش‌ها و ترجیحات شغلی دانشجویان باشد. یافته‌ها در قالب سه جدول مجزا، بر اساس ترجیحات نسبت به خوداشتغالی، مشاغل دولتی و خصوصی ارائه می‌شود.

ترجیحات شغلی: خود اشتغالی

آزادی عمل و شکوفایی در کار

تمایل به خود اشتغالی، بیشتر از آنکه یک تصمیم اقتصادی باشد، یک انتخاب برای سبک زندگی است. بسیاری از دانشجویان در انتخاب ترجیحات شغلی خود به دنبال ایجاد تعادلی میان آزادی عمل، ثبات در زندگی شغلی و شخصی و فرصتی برای رشد و شکوفایی توانمندی‌های فردی هستند. خود اشتغالی به‌عنوان گزینه‌ای که امکان تحقق این آزادی عمل و رشد فردی را فراهم می‌کند ترجیح بیشتر دانشجویان مورد مطالعه بود (جدول ۲).

جدول ۲. کدهای استخراجی ترجیحات شغلی دانشجویان نسبت به خود اشتغالی

عبارت‌های معنایی	تم اولیه	تم ثانویه	تم اصلی
من خود اشتغالی رو ترجیح میدم به خاطر اینکه رئیس خودتی برای کسی کار نمیکنی و زیردست کسی نیستی.	استقلال شغلی	خود	آزادی عمل و شکوفایی در کار
در خود اشتغالی شما نه دیگه اقا بالاسرداری و نه محدود به بخشنامه‌هایی هستی که توی ادارات وجود داره.	آزادی عمل و عدم وابستگی به ساختارهای سازمانی	مختاری در عمل و تصمیم‌گیری	
در خود اشتغالی خودم آقای خودم هستم، کسی بالای سرم نیست و درآمدی که بدست میارم مال خودم هستش.	استقلال مالی		
توی دوران مدرن آدم نیاز به فراغت داره و خوب برای فراغت نیازه آدم زمان کارکردنش دست خودش باشه و توی خود اشتغالی این زمان کارکردن دست خودمان است.	کنترل بر زمان کار	انعطاف پذیری در زمان کار	

عبارت‌های معنایی	تم اولیه	تم ثانویه	تم اصلی
توی خود اشتغالی اگر کسی قرار باشه پیشرفت کنه اون خودتی.	پیشرفت فردی	رشد و پیشرفت فردی	
توی خود اشتغالی بیشتر میتونیم بلند پروازی شغلی داشته باشیم و بیشتر میتونیم به علایق کاری خودمون بپردازیم.	بلند پروازی و پیگیری علایق شخصی		
در جایی که شما رئیس خودتون هستید از آرامش و روان بهتری هم برخوردار هستید.	مزایای روانی	امنیت روانی	
در خود اشتغالی، کاری که انجام می‌دهی، اون استرسی که کارفرما ازت راضی باشه یا اینکه بتونی نظرشون رو جلب کنی، وجود نداره.	کاهش فشار کارفرما		
به شدت ریسک پذیر هستش ولی اگه قوی شروع شده باشه و قوی پیش برده بشه میتونه واقعا سودآورتر باشه.	ریسک سود آوری و موفقیت	ریسک و موفقیت	

یکی از دلایل اصلی گرایش برخی دانشجویان به خود اشتغالی، نیاز به خودمختاری در عمل و تصمیم‌گیری است. برخی مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که در مشاغل دولتی و خصوصی موظف هستند که مطابق چارچوب‌ها و تصمیمات مدیران عمل کنند که این موضوع آزادی عمل آن‌ها را محدود خواهد کرد اما خود اشتغالی این امکان را به آن‌ها می‌دهد که خودشان نسبت به شیوه کار، روش انجام کار و همچنین زمان کار تصمیم‌گیری کنند. یکی از دانشجویان زیست‌شناسی موضوع را این‌طور بیان کرده است:

"توی خود اشتغالی، کاری هست که خودت انجام میدی و دست خودت هست که چه جوری انجامش بدی و اون استرسی که ازت راضی باشه کارفرما یا اینکه نظرشون رو جلب کنی اینجا دیگه نیست" (دانشجوی کارشناسی زیست‌شناسی، مرد، ۲۲ ساله).

همچنین مشارکت‌کنندگان، خوداشتغالی را راهی برای رهایی از سلسله‌مراتب سازمانی و فشارهای نظارتی کارفرما می‌دانند. به نظر آن‌ها، قوانین سخت‌گیرانه اداری و محدودیت‌های سازمانی مانع بروز خلاقیت و کارآمدی‌شان می‌شود اما خود اشتغالی این امکان را به آن‌ها می‌دهد که بدون وابستگی سازمانی، خلاقیت و ابتکار عمل بیشتری داشته باشند. در این رابطه، یکی از دانشجویان رشته جامعه‌شناسی چنین گفته است:

"شما توی خود اشتغالی نه دیگه آقا بالاسر داری، نه محدود به بخشنامه‌هایی هست که توی ادارات وجود داره و من باوجود این که هم کار دولتی تجربه کردم هم خصوصی خود اشتغالی ترجیح میدم" (دانشجوی ارشد جامعه‌شناسی، مرد، ۳۶ ساله).

در تصور رایج خوداشتغالی شغلی پرریسک و ناپایدار تلقی می‌شود اما از نظر برخی دانشجویان، خوداشتغالی ابزاری برای دستیابی به خودکفایی اقتصادی و کاهش وابستگی به درآمد ثابت کارمندی تلقی می‌شود.

"من خود اشتغالی رو انتخاب می‌کنم. چون که خودم آقای خودم هستم. کسی بالا سرم نیست. درآمد و هرچیزی که باشه مال خودم هست. توی اون رشد و پیشرفت بیشتری دارم و تجربه بیشتری می‌توانم کسب کنم" (دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی، زن، ۲۳ ساله).

برخی دانشجویان، خوداشتغالی را فرصتی برای پیگیری علایق، توسعه مهارت‌ها و پیشرفت فردی می‌دانند. به نظر آن‌ها، این مسیر امکان فعالیت تخصصی در حوزه‌های مورد علاقه و تحقق رشد شغلی را فراهم می‌سازد. یکی از دانشجویان مهندسی عمران موضوع را این طور بیان کرده است:

"در خود اشتغالی در واقع به نسبت دو مورد دیگه بشتر میتونی بلندپروازی شغلی داشته باشی و بیشتر میتونیم به علایق کاری خودمون بپردازیم" (دانشجوی ارشد مهندسی عمران، زن، ۲۵ ساله).

علاوه بر این یکی از چالش‌های اساسی موجود در مشاغل کارمندی، فشارهای ناشی از کنترل کارفرما و محیط کاری است و مصاحبه‌شوندگان از خوداشتغالی به‌عنوان منبعی برای کاهش استرس‌های ناشی از فشارسازمانی و افزایش حس امنیت یاد می‌کنند. فشار کاری، عدم اختیار در شغل و نبود امکان تصمیم‌گیری منجر به کاهش رضایت شغلی می‌شود اما خوداشتغالی به آن‌ها احساس امنیت شغلی و کنترل بر فرایند کار می‌دهد که می‌تواند به رضایت روانی و شغلی منجر شود. یکی از دانشجویان جامعه‌شناسی این مسئله را بدین شکل مطرح کرد:

"شما وقتی کار دست خودت باشه و به اصطلاح رئیس خودت باشی و اگر قرار باشه کسی هم پیشرفت کنه اون خودتی خب اینجا شما از آرامش روان بهتری برخوردار هستی" (دانشجوی ارشد جامعه‌شناسی، مرد، ۲۲ ساله).

با وجود آگاهی دانشجویان از ریسک‌های خوداشتغالی، آن را بخشی از مسیر رشد حرفه‌ای و فرصتی برای دستیابی به موفقیت و استقلال مالی در آینده تلقی می‌کنند. به‌عنوان مثال، یکی از دانشجویان فیزیک بدین شکل به این موضوع پرداخته است که:

"خوداشتغالی و کارآفرینی ترجیح من هستش ولی خب به شدت ریسک پذیر هست ولی اگر قوی شروع شده باشه و قوی پیش برده باشه می‌تونه واقعا سودآورتر باشه" (دانشجوی کارشناسی فیزیک، زن، ۲۱ ساله).

داده‌ها نشان می‌دهد که ترجیحات شغلی دانشجویان نسبت به خوداشتغالی را نمی‌توان صرفاً به یک الگوی واحد محدود کرد. بر اساس یافته‌های بدست آمده دو نوع خوداشتغالی قابل تشخیص است:

الف) خوداشتغالی مبتنی بر تولید ارزش: در این شیوه که مبتنی بر نوآوری و خلاقیت فردی است فرد به دنبال ایجاد یک محصول یا خدمت بارزش اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی است.

ب) خوداشتغالی مدیریتی: افراد بیشتر به مدیریت و ترکیب منابع و کسب کار تمرکز دارد تا تولید مستقیم ارزش و هدف اصلی افزایش سود و استقلال در تصمیم‌گیری است.

هرچند تمایل اکثر دانشجویان به خوداشتغالی است اما بیان می‌کنند که خانواده‌شان تمایل بیشتری به انتخاب مشاغل دولتی برای فرزندان خود دارند. این ترجیح عمدتاً بر سه مؤلفه استوار است: نخست، ثبات و امنیت شغلی ناشی از پرداخت منظم حقوق، مزایای بازنشستگی و ساعات کاری مشخص، دوم، منافع اقتصادی و رفاهی همچون تسهیلات و پاداش‌ها و سوم، منزلت اجتماعی شغل دولتی که در نگاه خانواده‌ها نشانه‌ای از موفقیت و آبرومندی تلقی می‌شود.

برخی مشارکت‌کنندگان که پیش‌تر تجربه فعالیت در کسب‌وکارهای شخصی داشتند، به چالش‌ها و ملاحظات مسیر خوداشتغالی اشاره کرده‌اند. از نظر آنان، موفقیت در این حوزه به‌شدت وابسته به پتانسیل فردی است، به‌گونه‌ای که برخورداری از توانایی، انگیزه و مهارت بالا، شانس کسب درآمد بیشتر را افزایش می‌دهد.

"من یک مدتی توی فضای اینستاگرام یک مدتی پیج فروش لباس و محصولات داشتم اینجوری بود که هرچه قدر بیشتر از خودت مایه میداشتی، هرچه قدر بیشتر از خودت کار میکشیدی جا داشتش که درآمدت بیشتر بشه اینجوری نبود که یک حقوق ثابتی برات تعیین شده باشه، نه اینجا به پتانسیل خودت ربط داشت هرچه قدر پتانسیل بیشتری داشته باشی، درآمد بیشتری هم توی اون زمینه می‌تونی داشته باشی" (دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی، زن، ۲۳ ساله).

دسترسی به منابع اجتماعی نقش مهمی در تسهیل موفقیت در خوداشتغالی دارد اما در محیط‌های جغرافیایی کوچک‌تر مانند شهرستان‌ها، محدودیت منابع مانعی در مسیر موفقیت خوداشتغالی است.

"تصمیم داشتم که یک شرکتی درارتباط با برگزاری یک سری از سمینارها برگزار کنم ولی خب اینجا بزرگترین مانع من درواقع این بود که من شهرستان زندگی می‌کنم و به منابع اجتماعی که در تهران هست دسترسی ندارم و با وجود اینکه در دوران تحصیلم به منابع زیادی دست پیدا کردم و با افراد زیادی آشنایی پیدا کردم اگر احتمال در تهران ساکن بودم این کار پیش می‌برد" (دانشجوی کارشناسی مددکاری اجتماعی، زن، ۲۲ ساله).

از دیگر چالش‌های مهم در خوداشتغالی، ریسک‌پذیری بالا و نیاز به سرمایه اولیه است. مصاحبه‌شوندگان بر این نکته تأکید داشتند که ورود بدون تحقیق کافی و ناآشنایی با شرایط بازار به شکست منجر می‌شود. بنابراین، مطالعه تجربیات دیگران و مشورت با افراد مختلف پیش از شروع کسب‌وکار، امری ضروری است تا بدین وسیله درکی جامع‌تر از واقعیت‌های خوداشتغالی فراهم شود.

"کار آزاد کار انجام دادم. مدیریت زندگی دست خودم بودش، اون انعطاف‌پذیری توش پیدا کردم، ولی خب به نظرم خیلی چالش‌هایی داره. باید از قبل دربارش تحقیقات لازم حتماً انجام بشه، خیلی باید از آدم‌های مختلف درمورد تجربه شون در این حوزه بیرسی. از جهات مختلف بررسی کنی. چون خیلی کار ریسک‌پذیری هستش" (دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، زن، ۲۱ ساله).

اگرچه مصاحبه‌شوندگان به مزایای خوداشتغالی مانند استقلال و آزادی عمل اشاره کرده‌اند اما تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که در برخی حوزه‌ها می‌توان فقدان امنیت شغلی، فشار رقابتی مستمر و استثمار پنهان را مشاهده کرد.

این وضعیت نشان می‌دهد که استقلال و آزادی عمل در خوداشتغالی نسبی است و همواره با مسئولیت‌ها و ریسک‌های ساختاری همراه است. به عبارت دیگر، اگرچه خوداشتغالی امکان تحقق نیاز به خودمختاری را فراهم می‌کند، اما تجربه واقعی آن ممکن است با فشار روانی، عدم ثبات اقتصادی و... همراه باشد. این تحلیل اهمیت توجه به ابعاد محدودیت‌ها و ریسک‌های خوداشتغالی را در کنار مزایای آن برجسته می‌کند. به بیان دیگر، خوداشتغالی با آزادی همراه است، اما این آزادی بدون چالش نخواهد بود.

ترجیحات شغلی: کار دولتی

پایداری و انسجام شغلی

داشتن شغلی دائمی و قابل اتکا که فرد نسبت به آن هیچ نگرانی نداشته باشد تا بتواند با تکیه بر آن برای آینده و زندگی خود برنامه ریزی کند، همراه با وجود نظم و شفافیت در محیط کار مولفه اصلی برخی دانشجویان در انتخاب مشاغل دولتی می باشد (جدول ۳).

جدول ۳. کدهای استخراجی ترجیحات شغلی دانشجویان نسبت به کار دولتی

عبارات های معنایی	تم اولیه	تم ثانویه	تم اصلی
دولتی امنیت شغلی بیشتری دارد، به راحتی نمی توند از اونجا اخراجت کنند.	امنیت شغلی	امنیت و مزایای شغلی	پایداری و انسجام شغلی
شغل دولتی حقوقش مشخصه، همراه واریز میشه و دیگران نگران اینکه کی حقوقت واریز میشه نیستی.	ثبات مالی		
من بخش دولتی رو انتخاب می کنم به خاطر اینکه بیمه و بازنشستگی اون دقیق تر است.	مزایا بیمه‌ای		
من دولتی رو انتخاب می کنم به دلیل ویژه هایی که داره مثل ثبات شغلی، حقوق ثابت، مزایا و حق بازنشستگی.	حقوق بازنشستگی		
دولتی رو ممکنه به خاطر تسهیلات بیشتری که داره یا به خاطر تعطیلی هایی که برای همه ارگان های دولتی اعمال می شه انتخاب کنم.	مزایا تسهیلات و تعطیلات		
توی مشاغل دولتی بیشتر به سابقه کار در بحث ارتقا شغلی اهمیت می دهند.	نقش سابقه کار در ارتقا شغلی	ساختار	
یک سری چارچوب های توی دولتی وجود دارد که خب نمی توندن ارتقا شغلی رو به هر مقدار و میزان انجام بدن.	وجود ساختار ثابت	سازمانی	
دولتی ساعت کاریش مشخص هست، میدونی از چه ساعت قرار است بیای و چه ساعتی قرار است بری.	ساعت کاری ثابت و منظم	محیط کار منسجم و فراگیر	
دولتی فضای کاری که داره به نظرم برای خانم ها مناسب تر است.	فضای کاری مناسب برای زنان		
در مشاغل دولتی افراد صرفاً موظف به انجام یک سری وظایف خاص هستند.	تمرکز بر انجام وظایف مشخص		

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد انگیزه اصلی برخی از دانشجویان مورد مطالعه برای انتخاب مشاغل دولتی تحت تأثیر میل درونی آن‌ها به ثبات، نظم و اطمینان در محیط کار است. همچنین، شفافیت قوانین، رویه‌های مشخص و مسیر پیشرفت قابل پیش‌بینی از عوامل مؤثر در ترغیب دانشجویان به این نوع اشتغال محسوب می‌شود. تحلیل روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که نگرش آن‌ها به کار دولتی حول محور سه موضوع کلیدی شکل گرفته است که هر کدام ابعاد مختلف این ترجیح را منعکس می‌کنند:

از دید دانشجویانی که بخش دولتی را ترجیح دادند اشتغال در بخش دولتی نوعی تضمین شغلی برای آن‌ها به همراه دارد که با کاهش نگرانی‌های مالی، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را فراهم می‌کند. غالباً اولویت دانشجویان معطوف به مشاغلی است که از حمایت‌های مالی و رفاهی پایدار برخوردار باشند. مشاغل دولتی به واسطه قراردادهای دائم، حقوق ثابت، پوشش بیمه‌ای و مزایای بازنشستگی، این نیاز را به خوبی پاسخ می‌دهند. در این خصوص یکی از دانشجویان رشته جامعه‌شناسی می‌گوید:

"من مشاغل دولتی را ترجیح می‌دهم. چون خب یک جورایی رسمی تره، امنیت شغلیش اگر در نظر بگیریم امنیت بالایی داره، حقوقش مشخصه، هرماه واریز می‌شه و دیگه نگران این نیستی که کی واریز میشه" (جامعه‌شناسی ارشد جامعه‌شناسی، زن، ۲۳ ساله).

این گروه از دانشجویان اغلب به دنبال مشاغلی هستند که قابل پیش‌بینی باشد. از نگاه آنان، نهادهای دولتی چنین بستری را فراهم می‌سازد. یکی از دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی این قضیه را این طور بیان کرده است:

"به نظر من دولتی گزینه بهتریه، چون فرایندش مشخص تره مثلاً توی همین بحث ارتقاء شغلی بستگی به سابقه کارت داره، تو هر چی تجربه و سابقه کار بیشتری داشته باشی قطعاً فرصت ارتقاء برای تو راحت تر است" (دانشجوی کارشناسی مددکاری اجتماعی، مرد، ۲۲ ساله).

افزون بر این برخی از دانشجویان به ویژه زنان محیط کار بخش دولتی را منسجم‌تر و ایمن‌تر از بخش خصوصی توصیف کردند. یکی از دانشجویان رشته جامعه‌شناسی این طور بیان کرده است:

"من شغل دولتی رو انتخاب می‌کنم، به خاطر اون امنیت شغلی و فضای کاری که داره که به نظرم برای خانم‌ها مناسب‌تر هست" (دانشجوی ارشد جامعه‌شناسی، زن، ۳۰ ساله).

به نظر می‌رسد یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی در گرایش به مشاغل دولتی، ساعت کاری منظم و مشخص است که امکان برنامه‌ریزی برای سایر ابعاد زندگی همچون تحصیل، خانواده و

فعالیت‌های شخصی را فراهم می‌سازد. یکی از دانشجویان رشته جامعه‌شناسی نظر خود را بدین شکل مطرح نمود:

"من دولتی انتخاب می‌کنم، چون دولتی ساعت کاریش مشخص هست می‌دونی از چه ساعتی قراره بیای و چه ساعتی قراره بری ولی خوب توی خصوصی بعضی موقع‌ها نامشخصه" (دانشجوی ارشد جامعه‌شناسی، مرد، ۳۳ ساله).

یافته‌ها نشان می‌دهد دانشجویان رشته جامعه‌شناسی به ویژه زنان در انتخاب ترجیح شغلی میان کار در بخش خصوصی یا دولتی، گرایش بیشتری به اشتغال در بخش دولتی دارند. این تمایل عمدتاً ناشی از عواملی چون ثبات مالی، امنیت شغلی و فضای کاری مناسب‌تر برای زنان است. برخی دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی نیز اشتغال در نهادهای دولتی را ترجیح داده‌اند. برای این گروه، علاوه بر امنیت شغلی، امکان ایفای نقش مؤثرتر در ساختارهای رسمی، از جمله دلایل اصلی گرایش به مشاغل دولتی بوده است.

ترجیحات شغلی: کار خصوصی

شایسته‌سالاری و فرصت‌هایی در جهت توسعه فردی

در مقایسه میان اشتغال در بخش دولتی و خصوصی برخی دانشجویان تمایل بیشتری به کار در بخش خصوصی نشان داده‌اند. با این حال، این گرایش صرفاً ناشی از ترجیح شخصی آنان نبوده، بلکه بر اساس ویژگی‌هایی است که به نظر آن‌ها، بخش خصوصی را متمایز و مطلوب‌تر کرده است (جدول ۴)

جدول ۴. کدهای استخراجی ترجیحات شغلی دانشجویان نسبت به کار خصوصی

عبارت‌های معنایی	تم اولیه	تم ثانویه	تم اصلی
در مشاغل خصوصی مثلاً درآمدهای بیشتری می‌تونی داشته باشی یا مزیت‌های شغلیت قطعاً میتونه بالاتر باشه.	پتانسیل درآمد بالاتر	فرصت‌های رشد و پیشرفت شغلی	شایسته‌سالاری و فرصت‌هایی در جهت توسعه فردی
فراهم بودن امکان و بستر بهتر برای پیشرفت شغلی در مشاغل خصوصی.	وجود بستر مناسب برای پیشرفت شغلی		
افرادی رو بر اساس تجربه زیسته خودم دیدم که در بخش خصوصی فعالیت کردند و بعد از چند مدت به اون چیزهایی که مد نظرشون بود رسیدند.	دستیابی بهتر به اهداف شغلی		
بخش خصوصی فرصت‌های بیشتری برای ارتقا شغلی داره چون بر اساس مهارت این ارتقا شکل می‌گیره.	اهمیت مهارت و شایستگی‌های فردی		

تم اصلی	تم ثانویه	تم اولیه	عبارت های معنایی
	اهمیت مهارت و شایسته سالاری	شایسته سالاری	مؤسسات خصوصی عمدتاً مبتنی بر شایستگی هستند و سعی می کنند معمولاً بر مبنای اون ویژگی فردی و اون توانمندی های فردی معمولاً نیرو جذب کنند.
		توسعه مهارت ها	در بخش خصوصی امکان یادگیری مهارت های متنوع تری وجود داره.
احساس تعلق در محیط کار		حس صمیمیت	حس صمیمیت بیشتری در شرکت های خصوصی وجود داره نسبت به بخش دولتی.
		تناسب فضای کاری با شخصیت فردی	به نظر من فضای کاری مؤسسات خصوصی بیشتر به شخصیت من می خوره
پویایی و رقابت پذیری		رقابت پذیری	در مشاغل خصوصی فضا رقابتی و فرصت برای نوآوری وجود داره.
		حمایت از ایده ها	دیدم که بخش خصوصی جوان های بیشتری استخدام میکنه و از ایده ها بیشتر حمایت میکنه.
		خلاقیت و نوآوری در کار	به نظرم خلاقیت و نوآوری در بخش خصوصی بالاتر است.

برخی دانشجویان به این نکته اشاره کرده اند که برخلاف استخدام رسمی در نهادهای دولتی، شرکت ها و سازمان های خصوصی معمولاً پتانسیل بیشتری برای افزایش درآمد و پیشرفت شغلی دارند. از نگاه آنان، مسیر شغلی در بخش خصوصی اغلب پویاتر، شفاف تر و مبتنی بر تلاش فردی است. در این خصوص می توان به دیدگاه دانشجویان مهندسی عمران و مددکاری اجتماعی در ارتباط با این موضوع اشاره نمود:

"به نظرم بخش خصوصی فرصت های بهتری رو برای ارتقاء شغلی داره چون مبتنی بر اون شایستگی و نتایج هستند و مسیر رشد شفاف تری می تونم بگم داره، توی بخش دولتی ارتقاء بیشتر بر اساس سابقه کاری انجام میشه و سیستم های اداری پیچیده باعث می شه این ارتقاء شغلی مقداری زمان برتر بشه" (دانشجوی کارشناسی مددکاری اجتماعی، مرد، ۲۱ ساله)

این گروه از مصاحبه شونده گان معتقد بودند که در فضای کاری بخش خصوصی، امکان ارتقای شغلی با سرعت بیشتر و بدون ملاحظات بروکراتیک وجود دارد، چرا که در این نوع مشاغل، معیار پیشرفت شغلی بیشتر مبتنی بر توانمندی های فردی، عملکرد شغلی و میزان خلاقیت افراد است. از نگاه آن ها، افراد در چنین محیط هایی بر اساس شایستگی های واقعی خود ارزیابی می شوند، نه بر پایه روابط و پارتی بازی. این نگرش موجب شده است که در بخش خصوصی، مفاهیمی مانند

مهارت‌آموزی و تخصص‌گرایی از جایگاه مهم‌تری برخوردار باشند. یکی از دانشجویان زیست‌شناسی این موضوع را به این صورت مطرح کرده است:

"به نظر من بخش خصوصی فرصت‌های خیلی خیلی بهتری داره برای ارتقاء شغلی چون بر اساس شایسته‌سالاری است و بر اساس مهارت‌ها این ارتقاء شکل می‌گیره و افراد توی موقعیت‌هایی حضور دارند با پارتی بازی و ... بالا نمایان" (دانشجوی کارشناسی زیست‌شناسی، زن، ۲۲ ساله).

یافته‌ها نشان می‌دهند که برای برخی از دانشجویان، محیط کار در بخش خصوصی با ویژگی‌های شخصیتی آنان هماهنگی بیشتری دارد. از نظر آن‌ها، فضای کاری در بخش خصوصی به دلیل غیررسمی‌تر بودن، وجود روابط صمیمانه‌تر میان همکاران و ایجاد احساس تعلق به محیط، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش انگیزه و رشد فردی شود. در این خصوص یکی از دانشجویان مهندسی کامپیوتر چنین بیان کرده است:

"من بخش خصوصی را انتخاب می‌کنم چون حس می‌کنم فضای کاریش بیشتر به شخصیت من می‌خوره و اینکه یک جوهری حس صمیمی‌تری دارم نسبت به مراکز خصوصی" (دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، زن، ۱۹ ساله).

در کنار این موارد، پویایی بازار کار و رقابت‌پذیری در بخش خصوصی از دیگر نکاتی بود که از سوی دانشجویان مطرح شد. برخی از آن‌ها فضای اشتغال در بخش خصوصی را محیطی رقابتی و چالشی توصیف کردند. به نظر این گروه، ساختارهای سازمانی در این بخش انعطاف‌پذیرتر بوده و از نوآوری و خلاقیت کارکنان استقبال بیشتری می‌شود. چنین شرایطی، نوعی احساس ارزشمندی و اثربخشی بیشتر را در میان شاغلین به وجود می‌آورد. یکی از دانشجویان زیست‌شناسی این موضوع را این‌طور ارزیابی کرده است:

"من بخش خصوصی رو انتخاب می‌کنم. از نظر من اگر ایده ناب داشته باشیم توی بخش خصوصی بیشتر می‌شه روش مانور داد تا توی بخش دولتی و شما اونجا با توجه به اون چیزی که هستید، بیشتر می‌تونید مثرتر واقع باشید و دید منعطفی نسبت به موضوعات داشته باشید" (دانشجوی کارشناسی زیست‌شناسی، مرد، ۳۳ ساله).

یافته‌ها نشان می‌دهد دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی و رشته‌های فنی و مهندسی و علوم پایه، تمایل بیشتری به اشتغال در بخش خصوصی دارند. دانشجویان مددکاری اجتماعی با تأکید بر شاخص‌هایی همچون شایسته‌سالاری، اهمیت مهارت‌های فردی و امکان توسعه‌ی توانمندی‌ها، معتقد بودند که بخش خصوصی فرصت‌های بیشتری برای رشد آن‌ها فراهم می‌سازد. از سوی دیگر،

دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی و علوم پایه، فضای بخش خصوصی را بستری مناسب‌تر برای بروز ایده‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌های تخصصی خود می‌دانند.

در کنار نظرات دانشجویان که مشاغل خصوصی را به عنوان گزینه شغلی ترجیح می‌دهند، برخی از مشارکت‌کنندگان که پیشتر در بخش خصوصی تجربه کاری داشته‌اند، دو دیدگاه متفاوت را در مورد مشاغل خصوصی مطرح کرده‌اند. این تجربیات می‌تواند در درک بهتر ترجیحات شغلی دانشجویان تأثیرگذار باشد. گروه اول، که کار در مشاغل خصوصی را تجربه کرده‌اند، معتقدند که در این حوزه فضای کاری معمولاً بر پایه صمیمیت و همکاری گروهی بنا شده است و تشویق به کار تیمی در این مشاغل غالب است.

"در بخش خصوصی کارفرما خیلی کارگروهی رو تشویق می‌کنه و هیچوقت به یک کار شخصی امتیاز خاصی رو نمیدادن و همیشه اگر یک فعالیتی با کمک یک تیم به سرانجام می‌رسید به اون تیم امتیاز بیشتری می‌دادند" (دانشجوی کارشناسی مددکاری اجتماعی، زن، ۲۲ ساله).

اما گروه دوم، که تجربه مشابهی در بخش خصوصی داشته‌اند، به دلیل مسائلی مانند نظارت شدید، کنترل بالا و بهره‌کشی، معتقدند که مشاغل دولتی گزینه مناسب‌تری نسبت به بخش خصوصی هستند.

"ما برای کارفرما اضافه کار می‌کردیم آخر ماه که می‌اومدیم فیش حقوقی مون رو می‌دیدم بعضی موقع این اضافه کار حساب میکردش بعضی موقع این اضافه کار حساب نمی‌کردش یا اصل بعضی ماه‌ها می‌اومد به جای سی روز بیمه که به ما تعلق داره ده روزش رو ازش میگرفت یا مثال دوماه برای طرف کار می‌کردیم میومد یک ماهش رو حقوقش می‌داد" (دانشجوی ارشد جامعه‌شناسی، مرد، ۳۶ ساله).

می‌توان گفت برخی از دانشجویان، به ویژه آن‌هایی که تمایل به آزادی عمل و خلاقیت دارند، ممکن است به سمت مشاغل خصوصی یا خوداشتغالی گرایش پیدا کنند. اما دیگر دانشجویانی که به دنبال امنیت شغلی و پایداری بیشتر هستند، احتمالاً مشاغل دولتی را به عنوان گزینه شغلی ترجیح دهند.

تفاوت‌های جنسیتی نیز در ترجیحات شغلی دانشجویان مشهود است که بازتابی از نقش‌ها و انتظارات اجتماعی متفاوت زنان و مردان در جامعه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان بیشتر به عواملی مانند سلامت روان، انعطاف‌پذیری، ساعت کاری و تعادل بین کار و زندگی توجه دارند. در مقابل، مردان عمدتاً درآمد، پرستیژ و فرصت‌های ارتقای شغلی را در اولویت قرار می‌دهند. با این حال، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که امنیت شغلی و محیط کار مناسب از دغدغه‌های مشترک هر دو

گروه است. این موضوع نشان می‌دهد که اگرچه ترجیحات شغلی تحت تأثیر جنسیت و نقش‌های اجتماعی متفاوت شکل می‌گیرند، اما برخی نیازهای پایه‌ای مانند امنیت و شرایط مناسب کار به عنوان دغدغه‌ای مشترک همهٔ مصاحبه‌شوندگان است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی شناسایی و تحلیل ترجیحات شغلی دانشجویان و مقایسه مشاغل دولتی و خصوصی انجام شده است. دانشجویانی که آزادی عمل و استقلال در کار را ترجیح می‌دهند، به سمت خوداشتغالی گرایش دارند، چون باور دارند خوداشتغالی این آزادی و استقلال را برایشان فراهم می‌کند. دانشجویان به دنبال فضایی برای شکوفایی استعدادها و تحقق خلاقیت‌های فردی خود هستند. از نظر آن‌ها، یک شغل زمانی مطلوب است که آن‌ها بتوانند به وسیله آن توانمندی‌های خود را به‌طور کامل بروز دهند. این دیدگاه به‌ویژه با نظریات مارکس که معتقد است انسان در کار می‌تواند استعدادهای خود را شکوفا کند و به فعلیت برساند هم راستا است. به نظر مارکس، انسان‌ها ذاتاً موجوداتی خلاق و مولد هستند و کار، ویژگی منحصر به فرد انسان است که برای رشد و تحقق نفس ضروری به شمار می‌آید. البته به شرط آنکه کار آزادانه، مولد و عاری از هرگونه اجبار فیزیکی یا دیگر انواع اجبار باشد. در حالی که، مشاغل دولتی و خصوصی به دلیل ساختارهای پیچیده و محدودکننده خود فعلیت‌بخشی، قادر به فراهم آوردن چنین فضایی نیستند. این وضعیت موجب می‌شود که دانشجویان نسبت به این مشاغل دچار احساس بیهوده بودن، استثمار و از خودبیگانگی شوند. مشاغل موجود در این بخش‌ها فرصت‌های لازم برای تحقق فردی و آزادی عمل فراهم نمی‌کنند.

آرنت بر اهمیت کنش آزادانه به‌عنوان جلوه‌ای از توانایی انسان برای انتخاب و عمل خلاقانه تأکید دارد. از این منظر، خوداشتغالی می‌تواند زمینه‌ای برای بروز ارادهٔ فردی و کنش آزادانه باشد. دانشجویان فقط به دنبال زحمت برای گذران زندگی یا کار صرفاً برای تولید نیستند، آن‌ها به دنبال «کنش» هستند، یعنی فعالیتی که به آن‌ها آزادی، خلاقیت و هویت می‌دهد. از نظر آن‌ها، خوداشتغالی بهترین زمینه برای رسیدن به چنین کنش آزادانه‌ای است. اما با وجود جذابیت مشاغل خوداشتغالی برای برخی از دانشجویان واقعیت این است که در دنیای سرمایه‌داری این مفهوم از دورن تهی شده است. بسیاری از مشاغلی که نام خوداشتغالی دارند، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند رانندگی اسنپ، نمونه‌هایی از استثمار پنهان به‌شمار می‌روند. در این مشاغل، سرمایه‌گذاری اولیه متعلق به فرد است و او بر اساس میزان کاری که انجام می‌دهد درآمد کسب می‌کند. در چنین مشاغلی هیچگونه تضمین

شغلی وجود ندارد و افراد به طور مستمر در حال رقابت با یکدیگر هستند، بدون آنکه به طور واقعی از امنیت شغلی و مزایای اقتصادی مانند بیمه بهره‌مند شوند. این وضعیت نشان‌دهنده ظهور طبقه‌ای جدید از کارگران به نام پریکاریا^۱ است که هیچ‌گونه تضمین شغلی ندارند و به‌نوعی در دام شرایط سخت اقتصادی گرفتار می‌شوند.

از سوی دیگر، تمایل به اشتغال دولتی عمدتاً بر پایه جست‌وجوی ثبات، امنیت و ساختارمندی شکل گرفته است مؤلفه‌هایی که سنت بر آن‌ها تأکید دارد. این گرایش به‌ویژه در میان دانشجویان علوم انسانی پررنگ‌تر است. در مقابل، اشتغال در بخش خصوصی برای دانشجویان نماد شایسته‌سالاری، پویایی و فرصت‌های رشد فردی است.

داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جنسیت، تجربه شغلی و رشته تحصیلی در شکل‌گیری ترجیحات شغلی دانشجویان نقش دارند. مشاغل دولتی برای بخشی از دانشجویان زن جذابیت بیشتری نسبت به فرصت‌های شغلی موجود در بخش خصوصی دارد. این گروه معمولاً عواملی مانند آرامش روانی، ثبات و امنیت شغلی و داشتن ساعات کاری منظم را که امکان ایجاد تعادل میان زندگی شخصی و کار را فراهم کند، مهم‌تر می‌دانند. در مقابل، مردان بیشتر بر میزان درآمد، جایگاه اجتماعی شغل و امکان پیشرفت حرفه‌ای تمرکز می‌کنند.

سوابق کاری پیشین نیز می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر شکل‌گیری یا تغییر نگرش‌های شغلی دانشجویان داشته باشد. گروهی از دانشجویان مورد مطالعه که تجربه فعالیت در مشاغل خصوصی داشته‌اند و با فشارهای کاری زیاد، نظارت‌های سخت‌گیرانه و شرایطی نزدیک به استثمار روبه‌رو شده‌اند، تمایل بیشتری برای انتخاب شغل در بخش دولتی پیدا کرده‌اند. در مقابل، عده‌ای دیگر فضای پویا، امکان یادگیری مداوم و فرصت‌های رشد حرفه‌ای در سازمان‌های خصوصی را نقطه قوت این بخش دانسته و همچنان ترجیح می‌دهند مسیر شغلی خود را در همین حوزه دنبال کنند. نقش رشته تحصیلی در شکل‌گیری ترجیحات شغلی دانشجویان مورد مطالعه به این صورت است که دانشجویان علوم انسانی، به‌ویژه کسانی که در رشته جامعه‌شناسی تحصیل می‌کنند، معمولاً تمایل بیشتری به ورود به مشاغل دولتی نشان می‌دهند. در مقابل، دانشجویان رشته‌های فنی‌مهندسی و علوم پایه بیشتر به بازار کار خصوصی علاقه‌مند هستند. به نظر می‌رسد این تفاوت گرایش‌ها ناشی از نوع آموزش‌های دانشگاهی هر رشته، تنوع فرصت‌های شغلی موجود در هر حوزه و نیز انتظارات شغلی متفاوت دانشجویان باشد.

^۱ Perikarya

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن (۱۴۰۰). روش تحقیق گراند تئوری: راه روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهداشتی، تهران: بشری.
- آرت، هانا (۱۳۸۹). وضع بشر، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.
- افروزنیا، علی و رحمتی، محمدحسین (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر انتخاب شغل دانشجویان مدیریت (مورد مطالعه: دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی شریف)، *دوفصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی در مدیریت*، ۶ (۱)، ۱۳۴-۱۶۰.
- توحیدی، زهره؛ سروش، علی‌اکبر؛ الحسینی، سیدحسن (۱۳۹۴). بررسی وضعیت اشتغال‌پذیری جوانان ایران، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۴ (۲۹): ۱-۲۶.
- صابری تنسون، مهشید؛ شریف‌زاده، محمد شریف (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین برند دانشگاه و جهت‌گیری شغلی دانشجویان، *نشریه کارآفرینی در کشاورزی*، ۷ (۲): ۳۱-۴۴.
- علی‌مندگاری، ملیحه؛ رازقی نصرآباد، حبیبه‌بی‌بی؛ بختیاری، علیرضا (۱۴۰۰). بررسی نظام ترجیحات شغلی جوانان و عوامل مرتبط با آن در شهر اصفهان، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران* ۱۰ (۳۳): ۹۹-۱۲۸.
- مارکس، کارل (۱۳۸۷). دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگاه.
- مرادنژادی، همایون (۱۴۰۰). واکاوی ترجیحات شغلی و آموزش‌های مهارت شغلی در آموزش‌های کشاورزی، *نشریه کارآفرینی در کشاورزی*، ۸ (۳): ۱-۱۸.
- میرزایی، حسین؛ اکبری، حسین؛ رفیعی، علی (۱۳۹۶). نظام ترجیحات شغلی دانشجویان، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۴ (۹): ۱۲۹-۱۵۴.
- نوذری، حمزه (۱۳۹۷). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- نوذری، حمزه (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی و فهم جامعه ایران: دیدگاه آرایش مناسب بین جامعه مدنی، دولت و اقتصاد. تهران: مروارید.
- نوذری، حمزه (۱۳۹۹). تحلیل ثانویه پیمایش نگارش و رفتار دانشجویان در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴: بخش نگرش اقتصادی دانشجویان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- وود، آلن (۱۳۸۷). کارل مارکس، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: ققنوس.

Ahmed, K. A., Sharif, N., & Ahmad, N. (2017). Factors influencing students' career choices: Empirical evidence from business students. *Journal of Southeast Asian Research*: 1-15.

Arbab, A. H., Eltahir, Y. A. M., Elsadig, F. S., & Yousef, B. A. (2022). Career preference and factors influencing career choice among undergraduate pharmacy students at University of Khartoum, Sudan. *Pharmacy*, 10(1), 26.

- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.
- Cotofan, M., Cassar, L., Dur, R., & Meijer, S. (2021). Macroeconomic Conditions When Young Shape Job Preferences for Life (Tinbergen Institute Discussion Paper No. 21-002/VII)
- Rafi, A. H., Jeba, J., Tabassum, T., & Khan, A. M. (2022). Job preference of university student: A discrete choice experiment. *Journal of Innovation in Business Studies*, 2(2), 269–294.
- Liu, T., Li, S., Yang, R., Liu, S., & Chen, G. (2019). Job preferences of undergraduate nursing students in eastern China: A discrete choice experiment. *Human Resources for Health*, 17(1), Article1.
- Mutanga, M., Piyose, P. X., & Ndovela, S. L. (2023). Factors affecting career preferences and pathways: Insights from IT students. *Journal of Information Systems and Informatics*, 5(3), 1111–1122.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-Determination Theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55 (1), 68–78
- Remmers, M. (2018). Self-employment and its different forms: A conceptual overview [Bachelor's thesis, Tilburg University]. Tilburg University Student Theses Repository.
- Sarker, M. G. R. (2022). Job Preference and Factors Influencing Job Choice Among Public University Students: A cross-Sectional Study at Begum Rokeya University, Rangpur. *International Journal of Research Publication and Reviews*, 3(11), 2185-2193.